

چگونه دموکراسی را آبیاری کنیم!؟

یاران گرامی،

(متن پارسی در زیر آمده است)

Well, let's hope that USA is thinking of regime change in Iran without use of military option.

If Iranians think of their prosperity, think of their peaceful change of regime should use Civil Disobedience tactics.

First of all, General Strike in all industries starting from OIL industries is the key to a peaceful regime change in Iran. Today we have good reason to use this option, thousands of thousands of our workers have not received their salary for over 20 months. One does not work if is not paid. We need no demonstration, simply do not show up at work.

In order for our workers inside staying home, the outside Diaspora needs to participate as well. Every Iranian living abroad by contributing just \$10 can facilitate the regime change. The raised money can be paid to our workers. I don't think we should investigate where that \$10.00 goes. Every dollar can be contributed to universal account, and some good men and women will distribute the money among our striking families. (watch your e-mails good news are in the process).

As I have mentioned in the past for over 4 years now, I will pay three months of one family's salary if they go on strike. This may cost me \$1,000. But my Iran worth more than that. Remember I am not a wealthy person, I am certain that some Iranian millionaires can contribute more. They can think of \$10,000 or \$20,000.

Let's do it... Iran deserves better.

If you read the following article you will think harder...

یاران گرامی،

میدانیم که دموکراسی اخلاق اجتماعی است که بصورت اکتسابی در روح و خلق و خوی مردم آن دیار رشد و به شکوفایی میرسد. لزوما داشتن قانون اساسی خوب و قوانین اجتماعی بسیار دموکرات آن کشور یا محیط را به حکومت مردم بر مردم تبدیل نمی کند. در ابتدای مشروطه قانون اساسی ایران نمونه برداشت شده ای از قانون بلژیک و فرانسه بود و تا به امروز نتوانسته بطور کامل در میهن ما ایران پیاده شود. چرا؟ در حالیکه همان قانون در فرانسه و بلژیک بخوبی حقوق مردم را حفظ میکند. جواب چرا این است که؛ قانون برای مردم نوشته میشود و بایستی توسط مردم اجرا گردد. مردم هستند که بایستی اجرای دقیق و شفاف قانون را خواستار باشند و به آن عمل نمایند. اگر دولت ها را بحال خود بگذاریم در هر موقعیتی از اجرای قانون سر باز میزنند ما مردم هستیم که بایست قانون را اجرا کنیم و بر اجرای صحیح و دقیق آن نظارت دائم داشته باشیم. (داتا) قانون فرزندی است که از آمیزش مردم در امور اجتماعیشان زاده میشود و بایستی همانند کودکان خود از آن مراقبت کنند.

درست است به زمانی رسیده ایم که میخواهیم و آرزو داریم تا کار اداره کشور را خود بدست بگیریم ولی هنوز راه طولانی داریم تا بتوانیم اجرای رفتارندم و دموکراسی را در کشور به مرحله اجرا در آوریم. این کار از سه مرحله بسیار حساس عبور خواهد نمود.

قبل از هر کاری وظیفه داریم با کمک همدیگر رژیم اسلامی را از ریشه برکنیم. اگر انتظار داریم تا اجانب یا گروهی از کشورهای غریبی با ائتلاف بر سر ما بمب بریزند و سرزمین ما را نجات دهند و یا انتظار داریم "منجی با اسب سفید و یک قانون اساسی" بیاید و کشور ما را نجات دهد سخت در اشتباه هستیم. کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من.

متن انگلیسی بالا در روز ۲۶ آوریل ۲۰۰۳ توسط اینجانب پخش شد. این فکر را سال ها است در ذهن میپرورانم و بار ها با دوستان و آشنایان در میان گذاشته ام. اول آنرا برای یارانی که انگلیسی را با اشکال میخوانند ترجمه میکنم.

"بگذارید امیدوار باشیم که آمریکا مایل به تغیر رژیم در ایران است ولی بدون دخالت نظامی.

اگر ایرانیان به شکوه، صلح و آرامش فکر میکنند میبایست از تاکتیک های نا فرمانی مدنی استفاده کنند.

ابتدا، بایستی با استفاده از اعتصاب سرتاسری در کلیه صنایع که میتواند از صنایع نفت آغاز گردد رژیم را بصورت صلح آمیز تعویض نمود. امروز ما دلیل موجهی برای این کار داریم، هزاران هزار نفر از کارگران و کارمندان کشور بیش از ۲۰ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. هیچکس بدون دریافت حقوق کار نمی کند. نیازی به تظاهرات و راه انداختن سرو و صدا نیست، بطور ساده با حاضر نشدن در سر کار (هر کاری که داریم) کار سرنگونی رژیم عملی است.

برای اینکه یاران کارگر و کارمند ما بتوانند در خانه بمانند نیازی به همکاری تنگاتنگ **اپوزیسیون خارج** خواهد بود. هر ایرانی مقیم خارج میتواند با اختصاص فقط ده دلار تعویض رژیم را در ایران میسر سازد. پول های اهدانی میتواند نگرانی کارمندان و کارگران در حال اعتصاب را از لحاظ مالی برطرف نماید. ده دلار رقمی نیست که کسی بخواد راجع به آن فکر کند و در مورد "بکجا میرود" تحقیق نماید. این ارقام میتواند در یک حساب جهانی که مردان و زنان قابل اعتمادی آنرا اداره مینمایند ریخته شود، پول جمع آوری شده به مصرف پرداخت هزینه اشخاص و فامیل هائی که در اعتصاب سرتاسری شرکت نموده اند خواهد رسید. (مراقب نامه های الکترونیکی خود باشید بزودی نوید فرح بخشی بشما خواهد رسید).

همانگونه که در چهارسال گذشته اعلام داشته ام آماده ام تا هزینه زندگی یک فامیل کارگر را چنانچه اعتصاب کند تا مدت سه ماه بپردازم. این ممکن است هزار (۱۰۰۰) دلار برایم خرج داشته باشد ولی ایران بیش از این ها می آرد. بخاطر داشته باشید که من شخص ثروتمندی نیستم ولی ایرانیان دیگری که میلیونر هستند میتوانند رقم بیشتری کمک کنند. آنان میتوانند اند ۱۰،۰۰۰ یا بیست هزار دلار بپردازند.

بیانید این کار را بکنیم... ایران بیش از اینها ارزش دارد.

با خواندن بقیه مطلب بیشتر به این پیشنهاد فکر خواهید کرد."

اگر دست روی دست بگذاریم تا از خارج بما کمک شود آنچه را تا کنون با خون جگر ساخته ایم از دست خواهیم داد. فقط انفجار یک بمب خوشه ای بر سر صنایع ذوب آهن و یا راکتور های هسته ایران میتواند ما را ۲۵ سال دیگر به عقب براند و این حرکت هزاران کشته و میلیون ها دلار خسارت وارد خواهد ساخت.

برماست که به هم کمک نمائیم و ابتکار تغییر رژیم را خود در دست بگیریم.

جامعه ایران در حال جوشش است. امید چندانی به دگرگونی اوضاع آن نمیتوان داشت مگر اینکه دگرگونی های ژرفی در پس مانده های نهادینه شده دین سالاری بوجود آید. رساندن آموخته های پخته و نا پخته به جوانان شور و شادی میدهد. کامرانی را در آموزش ببینید و دیگران را در آموزش کمک نمائید تا از راه "آموزش" به "خرد انسانی" نزدیک شوند. آزادی ملتی تضمین است که افراد آن از "خرد انسانی" بهره گرفته باشد.

نشانه های تغییر رژیم در کوسوو، و شوروی سابق و یا یوگسلاوی از هم پاشیده نشانه های بسیار قابل لمس هستند که چگونه عدم آشنائی مردم به اصول آزادی و دموکراسی میتواند به ضرر جامعه تمام شود. شوروی با وجود بهره گیری از پول فراوان و وام های خارجی هنوز نتوانسته دموکراسی و قانونمندی کامل را در سرتاسر کشور تضمین نماید. چرا؟ جواب بسیار ساده است؛ زیرا مردم آن جامعه با اصول مردم سالاری نا آشنا بودند.

با تغییر رژیم در ایران از هر راهی باشد؛ که امید داریم به دست مردم و بدون دخالت خارجی انجام گیرد، خلاء سیاسی و اداری شدیدی بوجود خواهد آمد نمونه بارز آن عراق، کوسوو، و کشور های جدا شده از یوگسلاوی سابق. در نبود قانون هرج و مرج، آدم کشی و جنایت رواج میابد.

تا سیاه پوشان و سیاه اندیشان بر سرزمین ما لجام میزنند هیچ اسلحه ای کار ساز تر از آگاه سازی مردم نمی تواند بود. انگشت خود را بر نقطه حساس بگذارید و مردم را نسبت به حقوق و حق های طبیعی شان آگاه کنید.

این وظیفه رسانه های گروهی لس آنجلس و دیگر شهر های دنیا است تا مردم را به حقوقشان آشنا سازند بجای جویدن خرخره یک دیگر بایستی مردم را آشنا سازیم. هنوز هستند مردمانی در داخل ایران که به حقوقشان آشنا نمی باشند. نمیدانند رای دادن و شرکت در فرآیند چه مسئولیت هائی را بر افراد جامعه الزامی مینماید. نمیدانند گرو دادن شناسنامه برای اخذ رای خلاف قانون است، رای دادن به افرادی که با آنها سفارش میشود غیر قانونی است... و.

حتی میخواهم یاد آور شوم که برگزاری فرآیند با نظارت سازمان های بین المللی نمیتواند اصالت و بیطرفی آنرا تضمین نماید بر ما خواهد بود که بر نظارت آنان هم نظارت داشته باشیم. دسیسه هاو ذهن شونی سیاستمداران و مار در آستینان در زمان بوجود آمدن خلاء سیاسی میتواند انفجاری که عواقب نا گواری دارد بوجود آورد. نمونه آن راه افتادن دسته های سینه

زن، زنجیر زن و قمه زن در کربلا و نجف بود که گمراهی و دو دلی در مردم بوجود آورده و میبینیم که کار دموکراتیزه کردن را با اشکال مواجه کرده است.

اگر امروز خودمان کار یکسره کردن تغییر رژیم را در دست نگیریم دیگران آشی را که به مذاق خودشان خوش است برایمان خواهند پخت که باز هم ۲۵ سال پدر ملت را در خواهد آورد. آنچه مسلم است این اسلام زده های عمامه بسر مثل خریزه و عسل با اجانب خواهند ساخت و پدر ملت را در خواهند آورد. بر ماست که با هیچ طرفند آنان موافقت نکنیم. این ها مشغول هستند تا با ربودن پیشنهادهای همانند این طرح آنرا بنفع خود بهره برداری نمایند. این جرسومه های فساد با استفاده از ایادی که روزی در زندان بسر میبرند و روزی شعار های آزادی خواهی از پشت بند گو های رادیو و تلویزیون ها سر میدهند تلاش دارند تا با گول زدن مردم بار دیگر راه سرنگونیشان را مسدود نمایند.

بیانید به گفت و شنود با دگراندیشان رو بیاوریم و پای میز استدلال بنشینیم و یک صدا وبا هم **ایرانی دیگر** از نو بسازیم. درست است که آینده کشور بدست جوانان ما سپرده خواهد شد ولی جوانان ما بدون بهره گیری از تجربه گذشتگان که پایه و اساس فرهنگ ملی ما هستند قادر به برکنند رژیم نخواهند بود. **هیچ گروهی بتهانی قادر به برکنندن ملایان نیست.** زمان شعار و نوشتار سر آمده و زمان عمل فرا رسیده است. در میان گذشتگان هنوز بسیار نخبگان نجیب ایرانی یافت میشوند و ما بدون سفارش های آنان نخواهیم توانست به مقصد برسیم. نمونه این افراد زیاد هستند و هنوز آنانند که میتوانند جوانان ما را با درون مذهب و با ریشه ادیان آشنا کنند و جوانان ما را به "تولد دیگری" رهنمون گردند.

پس از انتشار نوشتار به انگلیسی که ترجمه آنرا در بالا خواندید عده ای به یاری من آمده و از پیشنهاد ارائه شده استقبال نمودند. سپاس آنان را بجای میآورم. سوال این است که چگونه میتوان این کار را عملی نمود؟ با دوستان خود با آسانی که اعتماد دارید صحبت کنید و قرار کنید که **بصورت هرم** تشکیلات بر اندازی زیر زمینی براه بیندازند. ممکن است اول یک یا دو نفر باشیم ولی وقتی به قاعده هرم برسیم میلیون خواهیم بود. و میتوانیم میلیون ها دلار پول که ابزار اصلی حل مشکلات است را در اختیار داشته باشیم و لذا نیازی به دلار های تزریقی از جای دیگر هم نخواهد بود. میتوانیم از یکبار سینما رفتن و یا از سوار شدن اتوموبیل های گران صرف نظر کنیم و پول صرفه جویی شده از این راه را به نجات میهن اختصاص بدهیم.

میتوان یک ماه بنزین خرید، میشود برای مدتی کالا های ملایان را حرام کرد، میتوان در سر کار حاضر نشد، میشود تعویض دلار و یا معامله با ملایان را متوقف نمود. یک ماه کار نکردن هیچکدام از ما را نابود نمیکند ولی به عمر ملایان خاتمه میدهد. تا کنون هیچ دیکتاتوری در مقابل **اعتصاب عمومی** تاب و دوام مقاومت را نداشته

شما گیرنده این نامه اگر به من اعتماد دارید و اگر دوست دیگری به شما اعتماد دارد، و اگر آن دوست به دوستی که بشما اعتماد دارد و دیگری در میان افراد فامیل و دوستانش به **این زنجیر اعتماد** دارد بهم بپیوندد و با آسودگی خاطر کمک مالی خود را دست به دست کرده و آنرا به حسابی که در بیرون از کشور افتتاح شده واریز خواهند نمود، بدون اینکه نگران چه میشود باشد. این حساب و برنامه ریزی سرنگونی رژیم میتواند توسط مردان و زنان قابل اعتمادی که از نخبگان و محترمین و مشاهیر میباشند اداره شود. یک دلار و یا ده دلار مبلغی نیست که سوال برانگیزد. کمک های مالی به اعتصاب کنندگان هم به طریق خاصی که امنیت دریافت کننده را در نظر خواهد گرفت (پیش بینی لازم شده است) خواهد رسید. این زنجیر اتحاد چنان ریشه از ملایان خواهند کند که نه تنها مذهبیبون بلکه دنیای غرب را متعجب خواهد نمود.

تغییر رژیم بایستی با همیاری همه و با **نظم بسیار دقیق** انجام شود. هر کدام از ما بایستی مانند یک **پلیس** عمل نماید و مانع از هرج و مرج در زمان خلاء بین رفتن ملایان تا برقراری رفتارم شود. گروهی که این زمان را پر خواهند کرد نخبگان و مشاهیری خواهند بود که چشم داشتی به باقی ماندن در شغل های دولتی و ملی ندارند و پس از انتخابات آزاد و ملی به خانه های خود بر میگردند. سرنوشت کشور به دست ما سپرده شده و بایستی بهم اعتماد کنیم.

در این میان وظیفه رسانه های گروهی رادیو ها و تلویزیون ها بسیار ظریف و دقیق خواهد بود تا بدون انتشار مطالب تحریک کننده و شک آمیز مردم را با اصول نا فرمانی مدنی آشنا سازند.

وظیفه تک تک ما این خواهد بود که در عین راز نگاهداری، بصورت تیمی عملیات تغییر رژیم را به مقصد برسانیم. ملت ایران چندین بار این کار را تجربه کرده و اینبار هم میتواند به راحتی به مقصود برسد. در گذشته بدلیل نداشتن آگاهی لازم از جزئیات کار از پشت خنجر خورده و بجای رسیدن به آزادی " افعی ها " بصورت "آخوند" یا "جبهه های غیر ملی" که به غیر وابسته بودند از آستین استعمار سر بر آورده. اینبار با کمک رسانه های گروهی و با آگاه کردن همدیگر میتوانیم مانع بیراهه رفتن جنبشی که میتواند به نوزانی ایران مبدل گردد بشویم.

کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من...